خبر

رئیس‌جمهور
در جمع سیل‌زدگان جنوب استان کرمان:

احداث سیل‌بند از برنامه‌های مهم دولت است

● **ایسنا:** رئیس‌جمهوری در جمع سیل‌زدگان جنوب استان کرمان تأکید کرد: احداث سیل‌بندها در اسرع وقت باید انجام شود که این مهم جزء برنامه‌های دولت است و با همت مردم و مسئولان انجام خواهد شد. سیدابراهیم رئیسی افزود: این عنایت شامل حال ما شد که علی‌رغم عظیم‌بودن سیل تلفات جانی نداشتیم و این باعث شکرگزاری است. رئیسی ادامه داد: باران، نعمت است و اگر درست از آن بهره‌برداری شود، کشاورزی پررونق شده و اقتصاد خوبی برای روستا رقم می‌خورد. وی با بیان اینکه به دنبال فعال‌شدن اقتصاد روستا هستیم، گفت: باران یکی از عوامل کمک‌کننده در این راستاست که اگر همراه با اقدامات مقدماتی مانند احداث سیل‌بندها و سدها باشد و به کشاوزی و منازل مردم آسیب نرساند، بسیار مفید خواهد بود. رئیس‌جمهوری اظهار کرد: سیل‌بندهایی در برخی نقاط ایجاد و لایه‌روبی که به‌موقع انجام شده، از خسارات زیاد جلوگیری کرده است، اما در برخی نقاط سیل‌بندها درست احداث نشدند و مشکلاتی برای کشاورزان و دامداران ایجاد شد.

مسئول کمیسیون سیاسی حزب اتحاد ملت:

هدف دفتر سیاسی حزب تشکیل دولت سایه است

● **ایلنا:** حسین نورانی‌نژاد، مسئول کمیسیون سیاسی حزب اتحاد ملت گفت: در دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت مسائل سیاسی روز به‌ویژه انتخابات ۱۴۰۰ را تحلیل می‌کنیم. چند جلسه بحث و بررسی با حضور آقای میردامادی درباره این موضوع انجام شده و ادامه خواهد داشت. شرایط کشور در سه حوزه جامعه، حکومت و اصلاح‌طلبان به صورت جداگانه تحلیل می‌شود و در پی تحلیل‌های «چه باید کرد» است که حزب می‌تواند به آن برسد. هدفی که در دفتر سیاسی حزب پیگیری می‌شود تشکیل دولت سایه است که با کمک کمیسیون‌ها تلاش می‌شود به این سمت نزدیک شوند. یکی از کارهای مستمر در دفتر سیاسی، بحث و بررسی درباره بودجه ۱۴۰۱ است که به‌طور مفصل درباره آن صحبت شده است.

قرار نیست الگوهایی مثل افکار فمینیستی را در دستور کار قرار دهیم

● **ایسنا:** معاون پارلمانی رئیس‌جمهور گفت: قرار نیست الگوهایی مثل سند ۲۰۳۰ یا افکار فمینیستی را در دستور کار قرار دهیم، آن‌قدر در اسلام نقاط قوت و مثبت وجود دارد که نیازی نیست دنیا برای ما نسخه بپیچد. سیدمحمد حسینی روز جمعه در نشستی که در مجتمع فرهنگی سرو کاشمر برگزار شد، افزود: متأسفانه بسیاری القای یأس و ناامیدی در کشور می‌کنند و می‌خواهند در برابر غرب تسلیم شویم. وی بیان کرد: با گشایش‌هایی که دارد انجام می‌شود در حال عبور از این مراحل هستیم به طوری که حتی غربی‌ها و آمریکایی‌ها به این موضوع اعتراف می‌کنند. معاون پارلمانی رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه با وجود کاستی‌ها و کمبودهایی که در کشور داریم باید انسجام و یکپارچگی خود را نشان دهیم، تصریح کرد: متأسفانه در چند سال گذشته بسیاری از پروژه‌های نیمه‌کاره حتی آنهایی که بالای ۹۰ درصد بودند رها شدند در صورتی که اگر کمی همت می‌شد به نتیجه می‌رسیدند. وی گفت: هرچند بیش از ۹۰ درصد بودجه کشور برای کارهای جاری هزینه می‌شد و کارهای عمرانی کمتر صورت می‌گرفت اما امیدواریم این وضعیت بهبود یابد. حسینی افزود: در بودجه‌ای که نوشته شده هزینه‌های جاری دولت و دستگاه‌های اداری ۱۵ درصد کمتر می‌شود تا در بخش سرمایه‌گذاری و تملک دارایی‌ها اقدامات خوبی صورت گیرد و شاهد سرعت در ساخت‌وساز باشیم. وی با اشاره به شروع سند ۲۵ساله همکاری راهبردی اظهار کرد: با جدیتی که دولت دارد اقدامات خوبی صورت خواهد گرفت، در کشور پروژه‌هایی داریم که باید سرعت بگیرند.

در همایش خانه احزاب با موضوع مذاکرات وین عنوان شد

تیم مذاکره‌کننده رئیسی از تیم روحانی کمک می‌گیرد

ریحانه نعمت‌اللهی: صبح پنجشنبه، سی‌ام دی‌ماه، در سالن همایش‌های وزارت کشور، همایش «خانه احزاب با موضوع مذاکرات وین» برگزار شد. دبیران کل سه فراکسیون اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و مستقلین و مسئولان وزارت کشور سخنرانان این همایش بودند. این همایش با مدیریت مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم‌سالاری، حسین کمالی، رئیس خانه احزاب ایران و حبیب‌الله بوربور، رئیس فراکسیون اصولگرایان برگزار شد.

لزوم نگاه ملی به برجام

عبدالوحید فیاضی از فراکسیون اصولگرایان خانه احزاب در این همایش گفت: «در آغاز قرار بود در داخل و خارج متقابلا تعهداتی انجام و برجام اجرا شود، اما در پسابرجام هم از داخل و هم در خارج شرط موفقیت را توافق بر سر برجام دو و سه و چهار اعلام کردند که شامل موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشر می‌شد. ما در زمینه برجام اجماع داشتیم، اما پس از برجام این حرف جدید را شنیدیم و دچار عدم اجماع شدیم. ما هم باید با این دشمن کنشگر فراحزبی مقابله کنیم. ما باید در برجام جدید عمل در برابر عمل را به‌موقع انجام دهیم». فیاضی افزود: «ما در زمینه داعش و اسرائیل اجماع داشتیم و موفق هم شدیم، اما در بعضی موضوعات عدم اجماع داریم و ناموفق هستیم. در زمینه وقایع ۸۸ عدم اجماع داشتیم، دشمن از گسل‌های داخلی ما استفاده و تحریم‌های سال ۹۱ را اعمال کرد. عدم اجماع پسابرجام ما هم منجر به تحریم‌های فلج‌کننده سال ۹۷ شد. ما درباره سپاه عدم اجماع داشتیم و آمریکا این را فهمید؛ اول سپاه را تحریم کرد، بعد آن را سازمان تروریستی معرفی کرد و بعد سردار سلیمانی را به شهادت رساند. دشمن گسل‌های داخلی را تشخیص می‌دهد و بهره‌برداری می‌کند. ما در حوزه برجام نباید مانند دوره قاجار عمل کنیم؛ در دوران قاجار حاکمان نتوانستند مقاومت کنند و مرزهایمان به بیگانگان تعلق گرفت. اگر در برجام نتوانیم مقاومت کنیم باید مرزهای دانش و علم را بدهیم که همان انرژی هسته‌ای است». او درباره روابط ایران و آمریکا گفت: «ما باید به برجام ملی نگاه کنیم نه حزبی و جناحی. تیم مذاکره‌کننده آقای رئیسی از تیم مذاکره‌کننده آقای روحانی کمک می‌گیرند و از آنها مشورت می‌خواهند. ما باید با وحدت ملی و گرفتن شرکای راهبردی و تاکتیکی خارجی دست مذاکره‌کنندگان را پر کنیم تا برجام را به موفقیت برسانند».

حکمرانی موفق پیش‌نیاز سیاست خارجی خوب

آذر منصوری، دبیرکل حزب اصلاح‌طلب اتحاد ملت نیز پس از تبریک اعیاد پیش‌رو و یادی از شهدا عنوان کرد: «در غیاب یک حکمرانی موفق، نمی‌توان انتظار یک سیاست خارجی خوب را داشت. سیاست خارجی ما در امتداد سیاست داخلی ماست. اجماع ملی می‌تواند باعث موفقیت در سیاست خارجی شود. حکومت باید به اجماع ملی توجه داشته باشد؛ این اجماع از بالا به پایین و دستوری صورت نمی‌گیرد. عدم اجماع ملی باعث شده در سیاست خارجی ما پراکنده‌گویی، انشعاب و مداخلات وجود داشته باشد؛ این وضعیت برای امنیت ملی مخاطره‌آمیز است». او افزود: «در جهان امروز مفهوم استقلال نه جداسازی است نه انزواطلبی؛ دنیا، دنیای تبادل و تعامل است و بدون تعامل با جهان رشد و توسعه ممکن نیست. توسعه اقتصادی منوط به سیاست خارجی ثبات‌گرا، صلح‌گرایانه و امنیت‌ساز است».

منصوری با اشاره به اهمیت وحدت ملی و راه‌های رسیدن به اجماع ملی گفت: «کاهش مداخلات بخش‌ها در سیاست خارجی و سپردن کار به دولت فارغ از اینکه چه جناحی اکثریت افراد دولت را تشکیل می‌دهد، می‌تواند ما را در برجام که بحثی ملی است، موفق کند. توافقات ایران با کشورهای دیگر یا حل مسئله اف‌ای‌تی‌اف باید مقوله‌ای ملی در نظر گرفته شود. دیگر نمی‌توان با سیاست «نه شرقی نه غربی» از ظرفیت دیپلماسی برای تأمین مطالبات مردم استفاده کرد. در جهان امروز واقع‌گرایی است که مبنای رابطه و تعامل بین کشورهاست؛ واقع‌گرایی یعنی هیچ کشوری دوست دائم یا دشمن دائم نیست». او افزود: «ما از هر اقدامی که موجب رفع مشکل اف‌ای‌تی‌اف و رفع تحریم‌ها و کاهش رنج مردم ایران شود، دفاع خواهیم کرد. پرده‌پوشی و مخفی‌کاری و به جای ارتباط مستقیم رفتن سراغ واسطه‌هایی چون چین و روسیه برای شکل‌گیری توافق با آمریکا در تعارض با وحدت ملی است. باید هشدار بدهم اگر در همین دوره در مذاکرات موفق نشویم و پرونده ایران برای بار دوم به شورای امنیت ارجاع شود، دیگر نمی‌توان ایران را از مهلکه نجات داد».

هسته‌ای، مسئله‌ای حاکمیتی است

محسن صفرپور، دبیرکل حزب اتحاد ملی ایران، از فراکسیون مستقلین هم به جایگاه آمد و عنوان کرد: «گاه در جامعه تصور بر آن است که با تغییر دولت روند مذاکرات تغییر خواهد کرد، اما بی‌شک مسئله هسته‌ای، مسئله‌ای حاکمیتی است که راهبرد آن در اختیارات دولت‌ها نبوده و نیست؛ بنابراین تغییر دولت‌ها در شروع، چگونگی و پایان مذاکرات تعیین‌کننده و کلیدی نیست، اما می‌توان گفت نوع نگاه افراد حاضر در تیم مذاکره‌کننده تأثیری در روند ماجرا دارد. فردی که نگاه واقع‌گرایانه و خردگرایانه دارد می‌تواند به اهداف واقعی دست یابد. اگر به واقعیت‌های عرصه بین‌المللی توجه نداشته باشیم و آرمان‌گرایانه نگاه کنیم، نمی‌توانیم نتیجه بگیریم».

نظامی‌گری دیگر اولویت ندارد

پس از صفرپور، حسین کمالی، رئیس خانه احزاب گفت: «ما اول باید بدانیم منافع ملی چیست. اگر تأمین منافع مردم و کشور اساس کار ما باشد، نوع گفت‌وگوی ما با آنچه امروز هست باید متفاوت شود. ما توجه نکرده‌ایم که قدرت در مناسبات بین‌المللی امروز در چه چارچوب‌هایی تعریف می‌شود و دیگر چون گذشته نظامی‌گری اولویت ندارد. امروز اقتصاد و دانش فنی رتبه‌های بالاتری از نظامی‌گری دارد، اما هنوز اولویت ما نظامی‌گری است نه اقتصاد. اقتصاد ما غیررقابتی و غیرمزیتی است و نتیجه آن فقر برای مردم است». او ادامه داد: «ما باید با دشمنان وارد گفت‌وگو شویم. بحث برجام چیزی نبود که نتوان درباره آن فکر کرد. اگر آژانس انرژی اتمی بین‌المللی و قدرت‌های غربی به ما خوش‌بین بودند مشکلی نداشتیم، اما آنها به ما بدبین هستند و ما هم به آنها خوش‌بین نیستیم». کمالی با اشاره به پیامدهای مخفی‌کاری و سربسته‌ماندن متن قراردادها افزود: «هیچ‌کدام از ما متن برجام را ندیده‌ایم؛ نه نمایندگان مجلس، نه دولت و نه مردم. ما یک خط از برجام را ندیدیم، اما همه دشمنان ما آن را دیده‌اند. چرا ملت ایران نامحرم هستند؟ نمی‌شود که احزاب کشور خبر نداشته باشند متن قراردادها چیست! در این شرایط طبیعی است که یکپارچگی به وجود نمی‌آید. آنهایی که با برجام موافق‌اند نمی‌دانند با چه موافق هستند و آنها که مخالف‌اند نمی‌دانند با چه مخالف‌اند! نمونه دیگر آن قرارداد چین و ایران است که هیچ‌کس نمی‌داند متن آن چیست! چرا در حکومت مردمی، مردم باید بی‌خبر باشند؟ این پنهان‌کاری موجب به‌وجودآمدن شایعات می‌شود. شایعات دارد جامعه را اداره می‌کند. ما عادت کردیم به عدم شفافیت و بی‌خبرگذاشتن مردم و نتیجه آن عدم اجماع ملی است». او افزود: «غربی‌ها با برجام یا بدون برجام با ما کنار نمی‌آیند. فرض کنیم تحریم‌های هسته‌ای را بردارند، تحریم‌های حقوق‌بشری را بر نخواهند داشت. حتی اگر همه تحریم‌ها را هم بردارند تضمینی نیست که دوباره تحریم نشویم».

مراقب منافع ملی باشید

محمدباقر خرمشاد، معاون سیاسی وزیر کشور نیز در مقدمه نطق خود گفت: نظام‌های برآمده از انقلاب‌ها، تشکیل‌شده از دو واژه آزادی و عدالت‌اند که هرکدام حول یک محور گرد می‌آیند. در آغاز انقلاب حزب چپ و راست شکل گرفت، هرچند نه چپ‌ها مارکسیست بودند و نه راست‌ها لیبرالیست، اما به‌هرحال دو حزب بودند و طبیعی است که همیشه دو تفکر مخالف داشته باشند، اما باید مراقب بود منافع ملی زیر پا گذاشته نشود». او ادامه داد: «حداقلی‌ترین مشارکت سیاسی رأی‌دادن است و بیشترین مقدارش مسئولیت سیاسی گرفتن. ما باید کاری کنیم تا در جامعه مشارکت سیاسی را افزایش دهیم». خرمشاد در پاسخ به یکی از اعضای خانه احزاب گفت: «وزیر کشور نشستی با مرکزیت خانه احزاب خواهند گذاشت. این نشست در دهه فجر برگزار خواهد شد».

باید تدبیر دیگری می‌کردیم

پس از خرمشاد، منوچهر متکی، اصولگرا، در جایگاه قرار گرفت و گفت: «سال ۸۲ دچار بحران تحریم‌های هسته‌ای شدیم. شاید اگر از ابتدا درمی‌یافتیم که بناست کشور حداقل ۱۸ سال درگیر این مشکل باشد، تدبیر اولیه ما متفاوت می‌بود. سال ۸۲ در مجلس، من و خانم دکتر امین‌زاده از تمام نمایندگان مجلس به‌عنوان طراحان طرح هسته‌ای توانستیم امضا بگیریم و روز رأی‌گیری هم این طرح رأی آورد، کشور ما از همان زمان در بحث هسته‌ای یکپارچه بود». او افزود: «ما متوجه شدیم دشمن با طراحی خاصی پیگیر انرژی هسته‌ای ماست، اما ما طراحی مشخص نداشتیم. ما گاهی اوقات حسن نیت نشان دادیم، مانند تعلیق دوساله‌ای که در دولت هشتم بر انرژی هسته‌ای اعمال کردیم، اما بعد از دو سال اروپایی‌ها همه‌چیز را پذیرفتند جز حق قانونی ما که انرژی هسته‌ای بود؛ به همین منظور در روزهای پایانی دولت هشتم انرژی هسته‌ای مجدد مشغول به فعالیت شد. اروپایی‌ها گفتند که پرونده ایران را تحویل شورای امنیت خواهند داد، اما دولت نهم تصمیم درست دولت هشتم را ادامه داد». او ادامه داد: «همه دولت‌ها از سال ۸۲ می‌خواستند مشکل هسته‌ای حل شود، اما روش‌ها و جهت‌گیری‌ها متفاوت بود. ما باید در مذاکرات غیرقابل پیش‌بینی عمل کنیم. طرف مقابل باید بداند ما گزینه‌های مختلفی در دست داریم، وگرنه به نتیجه نمی‌رسیم. اگر آنها احساس کنند ما به غرب وابسته‌ایم از ما حساب نمی‌برند». متکی در واکنش به صحبت‌های حسین کمالی درباره مسکوت‌ماندن متن برجام گفت: «خوب است که ما مذاکره را دائما موضوع اصلی کشور قرار ندادیم. ما کشور و اقتصاد را به مذاکرات گره نزدیم. رهبری فرمودند: «کشور را به برجام گره نزنید». مذاکرات از موضعی با مناعت طبع در حال انجام است و دو نتیجه قابل پیش‌بینی هم دارد؛ یا نتیجه می‌دهد یا نمی‌دهد».

منافع ملی، واژه‌ای مظلوم

ابوالقاسم رئوفیان، دبیرکل حزب اسلامی ایران‌زمین، از فراکسیون مستقلین نیز در ادامه عنوان کرد: «منافع ملی واژه مظلومی است که همواره از آن سخن گفته می‌شود، اما در فعل و عمل به‌گونه‌ای حرکت می‌کنیم که به آن نمی‌رسیم. اجحاف‌هایی که بر مردم فشار می‌آورد، نشئت‌گرفته از عملکردهای اشتباه است. ما همواره از تفکر افراطی یا واگرایانه آسیب دیده‌ایم و از اعتدال دور بوده‌ایم».

او افزود: «خطی که رهبری ترسیم کردند نرمش قهرمانانه است؛ یعنی نه واگرایی و نه افراط و عمل بر حول منافع ملی. ما باید حتی‌المقدور به هم نزدیک شده و اختلافات را کنار بگذاریم. بایدن الان با مجلس نمایندگان سنا و مجلس نمایندگان آمریکا هم مشکل دارد؛ او دیگر نه بین دموکرات‌ها جای دارد، نه بین جمهوری‌خواه‌ها و به احتمال زیاد رئیس‌جمهور یک‌دوره‌ای خواهد بود. ما باید از فرصت ضعف بایدن استفاده کنیم و بهترین سیاست همان نرمش قهرمانانه است و مذاکره با توجه به حفظ منافع ملی و منافع مردم».

چرا اصولگرایان مناسبات دیپلماتیک را به دعواهای سیاسی-جناحی تقلیل داده‌اند؟

ذوب‌شدگی شرق‌محور

مهرشاد ایمانی: سفر اخیر سیدابراهیم رئیسی به روسیه می‌تواند ابعاد مهم استراتژیک داشته باشد؛ اینکه گویا این سفر در شرایطی انجام شده که احتمالا در آینده‌ای نزدیک باید خود را آماده توافق‌نامه‌ای بلندمدت با روسیه کنیم؛ مشابه آن چیزی که با چین امضا شد و چند روز پیش هم حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان، از اجرائی‌شدن آن سخن گفت. به هر روی مشخص است که ایران در دولت رئیسی بنای خود را بر گسترش همکاری‌ها با چند قدرت مهم ازجمله چین، روسیه و احتمالا هند گذاشته و می‌خواهد با این سیاست هم ظرفیت‌های جدید سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی بگشاید و هم در نفی سیاست دولت قبل از غرب فاصله بگیرد.

تا اینجای کار ظاهرا مشکلی نیست و به‌هرحال باید دید سیاست‌های دولت تا چه حد در ارتباط با روسیه و چین موفق خواهد بود؛ اما مسئله، نگاه یک‌سویه جریان اصولگرا به ارتباط با کشورهای شرق است که با تسامح روسیه را نیز جزء شرق در نظر می‌گیرند و هرگونه ارتباط با این کشورها را موفقیتی بی‌نظیر جلوه می‌دهند و این در حالی است که هنوز جزئیاتی از توافق بلندمدت ۲۵ساله ایران و چین منتشر نشده و مشخص نیست ایران در قبال چین در بازه زمانی طولانی چه تعهداتی دارد؟ افزون بر این هیچ اصولگرایی، چه داخل و چه بیرون از مجلس، یک بار هم درخواست نکرده است که چرا امیرعبداللهیان بدون توجه به تأکید قانون اساسی مبنی بر ضرورت تصویب تعهدات ایران در قبال کشورهای دیگر در مجلس شورای اسلامی، خبر از اجرای توافق‌نامه ایران و چین داد؟ اصل ۷۷ قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد». همچنین اصل ۱۲۵ این قانون اشعار دارد: «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است».

نادیده‌گرفتن این دو اصل مشخص و آمره در مواجهه با چین و روسیه از سوی اصولگرایان و البته ناگفته‌گذاشتن جزئیات توافق‌نامه‌های بلندمدت طبیعتا باید فرای مواضع جناحی، این حساسیت را ایجاد کند که قرار است ایران در ۲۵ سال آینده در قبال چین و احتمالا در ۲۰ سال آینده در قبال روسیه متعهد به اجرای چه اموری شود؟ و آیا این امور منافع ملی ایرانیان را تأمین می‌کند یا خیر؟ حساسیتی مغفول از سوی اصولگرایان که از قضا در ماجرای امضای برجام به‌شدت در آنها دیده می‌شد و به یاد داریم در عین حال که تمام جزئیات مذاکرات هسته‌ای ایران که نتیجه‌اش امضای برجام شد آشکار بود، اصولگرایان همه‌جانبه آن توافق را در مجلس بررسی کردند که البته بخش درخور توجهی از آنها سعی می‌کردند برجام در مجلس تصویب نشود. این حساسیت فارغ از نگاه افراطی طیف‌هایی خاص در مواجهه با برجام منطقی به نظر می‌رسید؛ اما وجه غیرمنطقی ماجرا آنجاست که همان طیف‌های حساس به برجام، در مواجهه با روسیه و چین به‌شدت خوش‌بین عمل می‌کنند و نگاهی سراسر متناقض در قبال این دو موضوع دارند.

افزون بر این به نظر می‌رسد فارغ از بی‌توجهی اصولگرایان به قواعد حقوقی در مواجهه با توافق‌نامه‌های ایران با روسیه و چین، آنها تمایل دارند برای نفی غرب به هر شکلی و با هر کیفیتی با شرق ارتباط برقرار کنند. گویا اصولگرایان از آنجا که غرب را به‌مثابه شر مطلق می‌دانند، می‌خواهند بدیلی برای آن ترسیم کنند و در چند ماهی که از دولت رئیسی گذشته است، نوعی تعجیل برای برقراری ارتباط‌هایی بین‌المللی با هر کشوری به‌جز کشورهای غربی مشاهده می‌شود که همه اینها بی‌حرف پس و پیش مورد تأیید اصولگرایان قرار دارد و گویی ارتباط گسترده با روسیه و چین در نگاه اصولگرایان نوعی دهن‌کجی به کشورهای غربی و البته به دولت پیشین است که چنین سیاستی در تضاد آشکار با شعار مبنایی انقلاب اسلامی یعنی «نه شرقی، نه غربی» قرار دارد و حتما سیاست سلبی و هیجانی اصولگرایان با هیچ‌یک از قواعد دیپلماتیک همخوان نیست و به‌نوعی اصولگرایان امور دیپلماتیک را به دعواهای جناحی-سیاسی داخلی تقلیل داده‌اند.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی در مجلس دهم، به‌تازگی در این زمینه تحلیلی جالب ارائه داده است که خواندن آن خالی از لطف نیست. او می‌گوید: «اینکه قدرت بزرگی مانند چین یا احتمالا روسیه تمایل دارند با ایران توافق‌نامه‌هایی بلندمدت ببندند، وجه مثبت ماجراست و خیلی هم خوب است، اما در نظر داشته باشیم که اکنون چین بیشترین چالش را با آمریکا دارد و در رقابتی بزرگ با یکدیگر به سر می‌برند. این توافق‌نامه در شرایطی امضا شده است که چالش‌های متعددی میان چین و آمریکا وجود دارد و چنین شرایطی برای پذیرش چنین توافق‌نامه‌ای زمان مناسبی نیست. از طرفی گفته می‌شود این توافق‌نامه در تمام شئون تأثیرگذار خواهد بود؛ یعنی بر اساس این توافق‌نامه باید دید چه شرایطی برای کارگران ایران، منابع زیرزمینی و بومی استان‌ها، نفت ایران و... به وجود می‌آید و این مخاطره وجود دارد که در جریان رقابت‌های سیاسی بین‌المللی، شرایطی فراهم آید که ملت ایران از حقوق خود محروم شوند... برخی در ایران باور دارند که توافق‌نامه ۲۵ساله با چین، موضع ایران را در مذاکرات احیای برجام تقویت می‌کند؛ درصورتی‌که به نظر من اجرائی‌شدن توافق‌نامه با چین باید به بعد از مذاکرات با غربی‌ها موکول می‌شد. واقعیت این است که ایران تحریم است و نباید موافقت‌نامه‌ای که تحت شرایط تحریم با چین بسته شده، مسیر ۲۵ساله بعد را تعیین کند؛ زیرا اگر مذاکرات به نتیجه برسد و برجام احیا شود، حتما ظرفیت‌های بسیاری بر ایران باز می‌شود».

سخن فلاحت‌پیشه ناظر به این موضوع است که نباید در شرایط اضطرار شرق را به صرف تقابل با غرب ترجیح داد؛ اما فارغ از این تحلیل‌ها، موضع اصولگرایان تند در ارتباط با روسیه و چین قابل توجه است؛ چنان‌که حتی می‌بینیم طیف‌هایی از اصولگرایان برای دفاع از ارتباط کامل با این دو کشور نه‌تنها به رقبای سیاسی خود به‌شدت می‌تازند، بلکه حتی در بزنگاه‌هایی قانع به سیاست‌های دولت مورد حمایت خود نیز نیستند. برای مثال اخیرا خبرگزاری «تسنیم» سخنان امیرعبداللهیان را هم تاب نمی‌آورد و در واکنش به مواضع او در گفت‌وگو با شبکه «الجزیره» مبنی بر اینکه «ما سیاست خارجی متوازن با همه بخش‌های جهان و شرق و غرب عالم را می‌خواهیم» نوشته است: «اگرچه امروز غرب به سردمداری آمریکا و ایدئولوژی ضدانسانی لیبرالی تقریبا به همان شکل سابق پابرجاست، اما اثری از شرق کمونیستی سابق نیست؛ نه روسیه امروز همان شوروی است و نه ایدئولوژی حاکم بر او کمونیسم است؛ کمونیسم به تاریخ پیوسته است و روسیه و واضح‌تر از آن چین هم مدعای شرق سابق را ندارند... اینکه آقای وزیر در پاسخ به سؤالی راجع به رابطه با روسیه می‌فرمایند می‌خواهیم با غرب و شرق سیاست متوازن داشته باشیم و با این جمله می‌خواهند دهان کفن‌پوشان ریاکار نه شرقی نه غربی را ببندند، در کنه ماجرا می‌تواند چنین معنای ناصحیحی را متبادر کند که ما اگر آن موازنه منفی نه شرقی نه غربی را کنار گذاشتیم (نه این و نه آن)، به عوض و به جای آن موازنه مثبت را پیش گرفته‌ایم (هم این و هم آن)»

به‌هرروی اصولگرایان در بزنگاه کنونی مسئله ارتباطات خارجی ایران را کاملا ایدئولوژیک کرده‌اند و در ادامه غرب‌ستیزی مطلق خود، بی‌توجه به منافع بلندمدت ملی، می‌کوشند صرفا واکنشی سیاست‌زده به هشت سال گذشته نشان دهند.

ادامه از صفحه اول

علیه کاریزما

این‌چنین است که وبر باور دارد اگرچه سیاست راهی به سوی خوشبختی نیست اما تمام شئونات زندگی ما را در بر گرفته است. با قرائت امروزی از این پاراگراف می‌توان آن را به وضعیت موجود تسری داد. وبر حتی یک پرسش سیاسی را از غیرسیاسی منفک می‌کند. پرسش سیاسی برخاسته از چگونگی منازعه بین انسان و انسان است؛ منازعه بر سر اختلاف عقیده یا تعارض منافع یا حتی به‌اطاعت‌واداشتن دیگری به هر دلیلی. تأکید دیگر وبر بر مقام «اداری سیاسی» است. او مقام‌های اداری را نیز سیاسی قلمداد می‌کند، چراکه بوروکرات‌ها نیز در نهایت سیاسی‌اند و هر موقعیت اداری در دولت موقعیت سیاسی است. موقعیت‌هایی که به نحوه توزیع قدرت دلالت دارد. نوع فاصله‌گذاری میان ما و آنها و دیگران به‌عنوان طرفین منازعه. «صورت‌های سیاسی» یکی دیگر از کدگذاری‌های وبر است، یعنی تصمیماتی که سیاسی گرفته می‌شوند همواره مبتنی بر حقانیت و عدالت و گاه عقل سلیم نیستند. این تأکید آخری بیش از موارد دیگر در وضعیت سیاسی ما قابل ردیابی است؛ اما تعیین‌کننده‌ترین بخش این پاراگراف این است: «هر آن‌کس که در سیاست درگیر است برای قدرت می‌جنگد». در اینجا وبر آب پاکی را روی اخلاقیات سیاسی می‌ریزد و یک گام به آموزه‌های ماکیاولی نزدیک می‌شود که پرده از حقیقت عیان سیاست برمی‌دارد. با همین نگرش به سیاست است که وبر نگاهی تقلیل‌گرایانه به دولت دارد تا دولت به‌مثابه لویاتان هابز. عجب آنکه دولت هابزی در ایران حامیان بسیاری دارد و کسی چندان به دولت از منظر وبر که دست بر قضا با دولت‌های ایران منطبق‌تر است، اعتنایی ندارد. شاید گرایش به دولت به‌مثابه لویاتان از آن جهت اهمیت دارد که ما همواره با دولت‌های ضعیف روبه‌رو بوده‌ایم، وگرنه از حیث وضعیت ایران دولت سازمانی وبر بیشتر با جامعه ما همخوان است: «دولت، مثل سازمان‌های سیاسی دیگر که پیش از آن ظاهر شدند یک نمونه از روابط سلطه انسان بر انسان است؛ نمونه‌ای که بر استفاده از خشونت، مبتنی است. بقای حیات دولت وابسته به این است که افراد تحت سلطه به اقتدار ادعایی کسانی که در هر زمان سلطه اعمال می‌کنند گردن نهند، اما مردم چرا و چه زمانی چنین می‌کنند». رویکرد تقلیل‌گرایانه وبر به دولت به‌مثابه سازمان از آن حیث اهمیت دارد که با بوروکراسی معنا پیدا می‌کند. دولتی متشکل از بوروکرات‌ها و به معنای دقیق‌تر در محاصره آنان. از این منظر وبر و دولت سازمانی‌اش که بوروکرات‌ها بر آن احاطه دارند تفاوتی بین دولت‌های لیبرال یا سوسیالیسم وجود ندارد. هر دو ناگزیرند تن به تحدید بوروکراسی بدهند. به معنای دیگر تحدید دموکراتیزاسیون با بوروکراتیزاسیون. دولت‌هایی با انبوهی از کارمندان، کارشناسان و متخصصانی که دولت بدون آنان معنایی ندارد و طرفه آنکه با وجود آنان هم معنایش را از دست خواهد داد. این تعارض و تناقض همیشگی بوروکراسی با دموکراسی است که وضعیت دولت‌های مدرن را همواره آشوبناک کرده است. در این میان شوربخت جامعه‌ای است همچون ایران که از مزایای بوروکراسی به واسطه ناکارآمدی آن منتفع نمی‌شود. اما نکته اساسی سود و زیان بوروکراسی نیست. مهم این است که بوروکراسی‌های ضعیف و ناکارآمد زمینه پیدایی «سلطه کاریزماتیک» را فراهم می‌کنند. سلطه کاریزماتیک یکی از سه‌گانه‌های وبر در تعریف از سلطه است. وبر در کتاب اقتصاد و جامعه ابتدا به سلطه حقوقی- عقلانی که به دستگاه بوروکراتیک است می‌پردازد؛ سپس به سلطه سنتی و دست آخر به سلطه کاریزماتیک. آنچه وبر بر آن تأکید دارد این است: هیچ شکلی از سلطه بی‌نیاز از سازوبرگ اداری نیست و نوع ناب آن را سلطه حقوقی نمایندگی می‌کند. سلطه حقوقی یعنی اطاعت افراد از یک نظم غیرشخصی. درست نقطه مقابل سلطه کاریزماتیک که در تاریخ ایران بی‌سابقه نیست. چهره‌هایی مانند رضاشاه و محمد مصدق از دو جناح فکری چهره‌های کاریزماتیک‌اند. در این شیوه فرد کاریزما در نهایت بوروکراسی و سازمان دولت را به شکل خود درمی‌آورد و دستگاه بوروکراسی با تن‌دادن به فرمان‌های شخصی از ریخت افتاده و بیگانه با اصل خود می‌شود. در این وضعیت بوروکرات‌ها برای صیانت از منافع خودشان بیش از هر زمان دیگری انعطاف نشان خواهند داد. با اینکه وبر باور دارد بوروکرات‌ها در نهایت بالادستی‌ها را به سلطه خویش درخواهند آورد، اما در این وضعیت‌ها چنین اتفاقی به‌ندرت رخ خواهد داد؛ چراکه سلطه کاریزما می‌تواند دلبخواهی در هر زمان و مکان ساختار بوروکراسی را تغییر ماهیت بدهد. نمونه‌های بسیاری از این گونه مواجهات در سلطنت رضاشاه وجود دارد. در نهایت همه سخن این است که در وضعیت کنونی ایران و در صورت تداوم ناکارآمدی دولت‌ها، هیچ دلیلی وجود ندارد که تاریخ به میل ما پیش برود.

* برای نوشتن این یادداشت از کتاب وبرکمبریج ویراسته استیون پی. ترنر ترجمه سجاد احمدیان انتشارات علمی- فرهنگی استفاده کرده‌ام

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی میاندورود))

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۲۲۰۰۴۰۳۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ هیات میاندرود کلاسه۱۴۰۰/۲۱۷موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی میاندرود تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای مبین عرب خزایلی. فرزند محسن نسبت به ۶.دانگ /..............سهم /....از ۶. ششدانگ یک قطعه زمین محصور به مساحت ۱۹, ۵۶۰ متر مربع به شماره پلاک .... فرعی از ۱۲ اصلی واقع در ولوجا بخش ۹ خریداری مع الواسطه / بدون واسطه از آقای / خانم بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی مالک رسمی محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۱۲۶۳۶۱۸

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۱۱/۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶
قدیر یوسفی نیا رئیس اداره ثبت اسناد و املاک میاندورود